



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزائیتین،خیابان اوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹-۹۲ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۳:۱۰ آذان مغرب ۲۰:۲۱ آذان صبح فردا ۴:۴۴ طلوع آفتاب ۶:۱۸

شرق

روزنامه

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۲ ۳۰ رمضان ۱۴۳۴ ۸ آگوست ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۸۰۲ صفحه ۱۶

کاغذ اخبار

خبر نگار و تهدیدی به نام «بی هویتی»



بهروز گرانپایه

● دهنم مشغول موضوع روز خبرنگار بود برای نوشتن یادداشتی در همین باره می‌خواستم به خطرناک‌بودن حرفه روزنامه‌نگاری بپردازم اما از منظری دیگر، معمولا وقتی خطرات این حرفه مطرح می‌شود ذهن به میدان‌های جنگ و درگیری‌های خیابانی و حضور خبرنگاران برای پوشش خبری رویدادها معطوف می‌شود و اینکه آنها در معرض خطرات جانی و آسیب‌های جسمی و روحی قرار می‌گیرند. براین اساس است که خبرنگاری در زمره شغل‌های سخت و زیان‌آور قلمداد می‌شود. اما من قصد داشتم به این مساله بپردازم که در کنار این نوع خطرها و آسیب‌ها که به یک معنا جنبه بیرونی دارد، خطرات دیگری هم هست که خبرنگار را به «بی‌هویتی» و در واقع «نابودی از نوع دیگری» تهدید می‌کند و این تهدیدی درونی است. خطرات درونی البته خودش دو وجه دارد: آن دسته تهدیدها که از جنس باورها و ارزش‌هاست و اینکه رویکرد ما به این حرفه-قدرت یا اصول و مسوولیت‌های حرفه روزنامه‌نگاری یعنی بازگویی حقیقت و نقد و نظارت برقدرت و آشکارسازی گوشه‌های پنهان جامعه همسویی دارد و نیز آن دسته از تهدیدها که به دانش و اطلاع‌ماز اقتصادات این حرفه و به تجربه، مهارت، شیوه‌ها و شگردها مربوط می‌شود.

درگیر همین خیال‌پردازی‌ها بودم که به تماشای دومین مصاحبه رسانه‌ای آقای رئیس‌جمهور نشستم. این برنامه‌ها برای افرادی که با کار خبری و رسانه‌ای درگیر هستند، غیر از جنبه‌هایی که عموم مردم به آن توجه دارند یعنی پیگیری دیدگاه‌ها و مواضع رئیس‌جمهوری درباره حساس‌ترین مسایلی روز جامعه، جنبه حرفه‌ای هم دارد. نکته‌ای که ذهن مرا حساس کرد تفاوت نحوه سول‌پرسیدن خبرنگارهای داخلی با خبرنگارهای خارجی بود. خبرنگار خارجی صریح و مستقیم به طرح سوال عمل می‌پردازد و از مقدمه‌چینی و حاشیه‌رفتن پرهیز می‌کند. خبرنگار داخلی اما بخش عمده‌ای از زمان را به «تعارف‌ها» و بیان مطالب و موضوعات بی‌ربط به وظیفه اصلی که طرح صریح و بالافاصله پرسش است، صرف می‌کند. مصاحبه مطبوعاتی عمومی جای بروز عواطف و احساسات شخصی یا دیدگاه‌ها و رویکردهای فرد نسبت به رئیس‌جمهور یا بیان گلایه‌ها و آرزوها نیست. تعارفات و حاشیه‌رفتن در طرح سوال، زمان را هدر می‌دهد و امکان طرح یک پرسش دیگر را از بین می‌برد- و حوصله بیننده و مخاطب را هم سربمی‌برد. قابل درک است که ما در جامعه‌ای به‌سر می‌بریم که رسانه و خبرنگار در جایگاه واقعی خود نیست، حق و حقوقی، شأن و شوون خبرنگاران و روزنامه‌نگاران رعایت نمی‌شود، محدودیت‌های بسیار و...

اما این دلیل نیست که در نشست مطبوعاتی رئیس‌جمهور به بیان احساس شخصی خود نسبت به انتخاب رئیس‌جمهور بپردازیم. اگر به وضعیتی هم انتقاد یا اعتراض داریم باید با جسارت خبرنگارانه آن را در قالب پرسشی صریح و مستقیم مطرح کنیم و از توضیفات غیرضروری و طرح مطالب حاشیه‌ای پرهیز کنیم. متأسفانه روش منفعلانه و تشییقاتی صداوسیما در مصاحبه با رئیس‌جمهور سابق، هم توهین به حرفه خبرنگاری و هم تنزل شأن و شخصیت اصحاب رسانه بود. گاهی فراموش می‌کنیم که خبرنگار واقعی باید شخصیتی جسور و شجاع داشته باشد و هویت مستقل خود در کار حرفه‌ای را باید درنظر بگیرد.

در طرح سوال از یک مقام سیاسی مثلا رئیس‌جمهور قاعدا تا باید مقدمات و ملاطیاتی طی شده باشد:

- سردبیر با دبیران خود موضوعات و پرسش‌های اساسی جامعه یا مخاطبان رسانه خود را بررسی کند. هرچه سوال به مسایل اساسی جامعه و نیاز مخاطبان نزدیک‌تر باشد، قدرت و اعتبار رسانه را در ذهن مخاطب و در جامعه افزایش می‌دهد. در مقابل، سوالات حاشیه‌ای و کم‌اهمیت به تضعیف موقعیت رسانه منجر می‌شود.

- چند سوال با در نظر گرفتن اولویت تهیه و تنظیم شود. تا با فرض مطرح‌شدن سوال از سوی خبرنگاری دیگر، سوال تکراری نباشد و امکان طرح سوال دیگری وجود داشته باشد.

- خبرنگاری که به‌عنوان نماینده رسانه در مصاحبه شرکت می‌کند، نسبت به پرسش توجیه و از وی خواسته شود درباره موضوع و سوال، اطلاعاتی را گردآوری کند تا نسبت به پرسش‌ها وقوف و اشراف پیدا کند.

- نسبت به شیوه طرح سوال به نظر به جز خبرنگار، سردبیر هم مسوول است. سردبیر است که باید به خبرنگار تذکر و توضیح دهد که پرسش خود را محکم، صحیح، صریح و مستقیم مطرح کند و از اضافه‌گویی و حاشیه‌روی و تعارفات بپرهیزد. متأسفانه در حرفه روزنامه‌نگاری به دلایل مختلف «آموزش ضمن خدمت، جدی گرفته نمی‌شود. امیدوارم خبرنگاران و روزنامه‌نگاران از بیان این نکته نرنجند. ولی به نظر رسید که اشکالی ندارد اگر گاهی هم به درون بنگریم و ببینیم آیا خود اهالی این صف شریف و مظلوم و ضعیفا و کمبودهای خود هم توجه دارند؟ ضعف‌هایی که ممکن است کوچک باشند یا کوچک گرفته‌شوند.

کافه نظر

گپی با برخی از مشترکان روزنامه «شرق» به بهانه روز خبرنگار

شرق، مسعید برآبادی: حرفه این تصمیم همان پاسداشت ۱۷ مرداد و روز خبرنگار بود با این فرق که این‌بار قرار شد که شما منتقد ما باشید! مشترکانی که سال‌هاست، لوگوی نستعلیق «شرق» یکی از اولین تصویرهای صبح‌شان است. در این میان به تصادف با شماره برخی مشترک‌دامن تماس گرفتیم و نتیجه جالب‌تر از آن چیزی بود که فکرش را می‌کردیم. از مدیر و وکیل و خانه‌دار و دکتر، همه به سوال‌هایمان پاسخ دادند، نیاز به هماهنگی نبود و حتی نگذاشتند که چنددقیقه‌ای به انتظار و بطالت بگذرد. پیش از اینکه بخشی از این نظرات را مرور کنیم، تحریریه «شرق» و خبرنگارانش از همه مشترکان و خوانندگان پروپاقرص این روزنامه تشکر می‌کند که هرروز را روز خبرنگار می‌دانند و ما را تنها نمی‌گذارند. نکته بعدی درباره نظرات است که بی‌کیوگاست منتشر می‌شود و اصلا بحث هندوانه زیرپغل گذاشتن در کار نیست! «شرق» به‌عنوان رسانه‌ای منتقد در طول این سال‌ها شناخته شده و حالا در روزی که به‌نام خبرنگار نام‌گذاری شده، خود را به پوته نقد مهم‌ترین سرمایه‌هایش - یعنی خوانندگان خود - گذاشته و خوشحال است که به یمن روز قلم و روز خبرنگار، چندان هم نمره بدی نگرفته است. می‌ماند دعا برای سلامتی آقای «اکرم مکری» یکی از مشترکان قدیمی روزنامه که وقتی برای تهیه این گزارش با منزل ایشان تماس گرفتیم، خلونامشان از خانواده «شرق»، تقاضای ععا برای سلامتی و بهبود جسمی ایشان داشتند.

بتول جناب ◀ خانم‌دار

وقتی که «شرق» توقیف شد واقعا سر در گریبان ماندم، چون این روزنامه در طول سال‌های سال، همدم من بوده و با آن خاطر‌های زیادی دارم به‌طوری که هر شماره‌اش را برای نسل‌های بعدی آرشبو هم می‌کنم. بارها خواستام با شما تماس بگیرم و به‌خاطر انتشار بعضی از مطالب از شما تقدیر کنم اما همیشه فکر کردم‌ا دیگری هستند که این کار را انجام می‌دهند!بعد از انتخابات و حتی در زمان انتخابات نقش روزنامه «شرق» عالی بود. باور کنید که حتی یک روز هم در این روزها از خواندن مطالب روزنامه غافل نبودم! اینکه در چنین شرایطی، گزارش‌ها و مطالب خود را به‌صورت مستندگونه در اختیار مخاطبان قرار می‌دهید واقعا مهم است. در میان مطالب هم دل بسته داستان‌های آقای غلامی بودم تا اینکه انتشارشان پایان گرفت. البته به صورت روزمره، تمام صفحات روزنامه را می‌خوانم اما بعضی از گزارش‌ها به خاطر برخی از مسایل از یادم نمی‌روند. مثلا چند روز پیش گزارشی درباره قهوه‌خانه آذری داشتید، خوب، من و همسرم سال‌ها پیش به این قهوه‌خانه می‌رفتم و اصلا آشنایی‌مان با مر حوم تری‌ای از همین قهوه‌خانه بود، وقتی که این گزارش را دیدم تمام خاطرات آن روز‌ها به نوعی برابم زنده شد. پیروز باشید.

کامران درویش ◀ مدیر بازرگانی

پیش از توقیف، مشترک «شرق» شدم اما قبل از آن خواننده روزنامه اعتماد بودم. بیشترین علاقه‌ام، اخبار داخلی است و «شرق» را به‌خاطر نوع پوشش این اخبار انتخاب کرده و دوست دارم. به‌طور کلی این مساله که روزنامه «شرق» در پوشش اخبار داخلی کشور به صورت دقیق و کامل عمل می‌کند باعث می‌شود برای منی که علاقه‌مندیم این حوزه است، روزنامه قابل‌احترامی باشد. همیشه هم پرسیده‌می‌شود که برای بهتر شدن یک فعالیت چه کارهایی باید انجام داد. این را از یاد نبریم که در شرایط فعلی، انتشار روزنامه به اندازه و گستردگی «شرق»، کار بزرگی است و به نظر ادامه همین روند خوب است.

مهیار جواهریان ◀ مهندس مشاور

در طول سال‌هایی که مخاطب روزنامه «شرق» بودام بیشتر به بخش فرهنگ و هنر علاقه داشتم‌ا چون این بخش نزدیک‌ترین حوزه به فعالیت‌های کاری‌ام است. به نظرم اصلی‌ترین ویژگی روزنامه «شرق»، توازن بین بخش‌های مختلف آن است که این موضوع را کمتر در روزنامه‌های دیگر دیدم. همین توازن باعث می‌شود که هم برای همکاران و خبرنگاران این روزنامه آرزوی سلامتی و پشت کار داشته باشیم و هم قانع باشیم به روزنامه‌ای که فعلا منتشر می‌شود.

خانم رایگانی ◀ خانه‌دار (فوق لیسانس ادیان و عرفان)

در حقیقت همسر متخصص روزنامه شمامت، من فقط تئورها و عناوین صفحه‌اول را نگاه می‌کنم و اگر مطلبی نظرم را جلب کرد، آن را می‌خوانم. معمولا اخبار را از طریق رسانه‌های دیگر پیگیری می‌کنم اما همسرم روزنامه «شرق» را مو به مو می‌خواند. معمولا بعد از اینکه از سر کار برمی‌گردد، شروع به خواندن روزنامه می‌کند! اول با بخش‌های سیاسی و بعد سراغ بخش‌های دیگر می‌رود و اگر مطلب مهمی باشد یا تحلیل خاصی داشته باشد آن را با من هم در میان می‌گذارد.

سید منصور رایگانی ◀ عضو هیات علمی دانشگاه

سال‌هاست که «شرق» را می‌خوانم، تقریبا از اولین مخاطبان «شرق» در دوره اصلاحات بودام و به جز روزهایی که به دلایل مختلف این روزنامه توقیف بوده، همیشه خواننده آن بوده و هستم. طبیعتا به خاطر شغل‌م، اولین علاقه‌ام موضوعات اجتماعی است اما همیشه از صفحه اول روزنامه که اختصاص به مطالب و اخبار سیاسی دارد شروع به خواندن می‌کنم و بعد سراغ موضوعات سرویس جامعه، روزنامه‌تان می‌روم. در این میان به یادداشت‌ها و مقاله‌های سیاسی هم دلبستگی خاصی دارم و معمولا هیچ‌کدامشان را از دست نمی‌دهم و البته به خاطر همین موضوع نقدهایی هم به برخی بخش‌ها دارم. مثلا معتقدم که در حوزه جامعه، توجه به مسایل مرتبط با سلامتی مردم در روزنامه «شرق» باید بیشتر و بیشتر به سمت کاربردی‌شدن پیش برود. البته «شرق» در طول این سال‌ها، به حاشیه‌های سیاسی، اقتصادی و سلامت به خوبی پرداخته اما برای برقراری ارتباط بیشتر با مردم در جهت حفظ سلامتی‌شان باید مطالب به سمت کاربردی‌شدن و ساده فهم‌شدن پیش بروند و فکر می‌کنم در روزنامه شما این توانایی باشد که چنین جایگاهی را برای موضوعات مرتبط با سلامتی مردم تعریف کنید.

بهزاد هاشمی ◀ حسابدار

تا سال‌ا ۸۸ مشترک روزنامه «اعتماد ملی» بودم اما بعد از اتفاقاتی که افتاد و این روزنامه تعطیل شد، مشترک «شرق» شدم و باید بگویم که واقعا از این روزنامه راضی هستم. این را به پای تعارف نگذارید، هر روز صفحه آخر روزنامه را با دقت می‌خوانم چون علاقه‌مندی اصلی‌ام مطالب طنزی است که در این صفحه منتشر می‌شود. بعد از خواندن صفحه آخر به‌سراغ صفحه اخبار می‌روم، این صفحه هم برابم از اهمیت برخوردار است چراکه با خواندن آن، از اخبار جاری کشور مطلع می‌شوم. با شرایط فعلی کار روزنامه «شرق» خوب و قابل اعتماد است. در این شرایط توقع روزنامه بهترداشتن به نظر کمی زود است و باید فعلا منتظر بود اما ما همچنان به خواندن «شرق» ادامه می‌دهیم. نکته دیگر اینکه سالانه «شرق» را هم خیلی دوست دارم و خوشحالم که می‌شود تاریخ و حوادث گذشته یکسال را با «شرق» مرور کرد و به خاطر آورد.



پژمان موسوی

تعجب نکنید! امروز گرچه ۱۷ مرداد است و روز خبرنگار، اما این یادداشت تنها حکم تعریف و تمجید ندارد؛ جایی که «اعتماد» خشنودار شده، دیگر چه جایی است برای تعریف و تمجید؟

همین چند روز پیش بود که نتایج پیمایش گرایش فرهنگی سال ۸۹ را می‌خواندم و بخشی از این گزارش به روزنامه‌نگاران و میزان اعتماد جامعه به آنها اختصاص داشت: اعتراف می‌کنم که با غوری خاص شروع به خواندن این سرفصل خیره‌کننده کردم و بی‌اغراق در بین



دعای روز سی‌ام ماه مبارک رمضان

اللهم اجعلْ صیامی فیهِ بالشکر والقبول علی ما تُرزاهُ و یُرزاهُ الرسولُ مُحَمَّدٌمُکَرمُکَ
فروعهُ بالأضول بحقِّ سَیدنا مُحَمَّدٍ و آله الطاهرین والحمد لله رب العالمین.

خدا یا قرار بده روزه مرا در این ماه مورد قدر دانی و قبول بر طبق خشنودی تو و پسند رسول تو باشد و استوار باشد قرعش بر اصل به حق سرور ما محمد و خاندان پاکش و ستایش خاص پروردگار جهانیان است.



از هر نظری ضرر

مستند خبرنگار، بی‌شوخی



کارگردان: پوریا عالمی

● امروز، روز خبرنگار است. ما در یکی از تحریریه‌های پایتخت ایران هستیم. در این تحریریه خبرنگارانی مشغول به کارند. خبرنگارانی سر کارند. خبرنگارانی تو کار خبرنگارانی دیگرند. خبرنگارانی کار بلندما اما ابزار کار ندارند. چه کسی در را قفل کرد؟ کلیددار چه کسی است؟ در این لحظه خبرنگاری از آن ته فریاد می‌کشد: کلید قلیمو دادم بهت گم نکنی، سر به هوای من. خبرنگاران دیگر یکصدا می‌گویند: روحانی مچکریم. در این قلم به علت آبوهوای خاص و شرایط عجیب‌ومعیب جغرافیایی درخت گردو و خبرنگار دیر ریشه می‌دهند اما اگر بدهند می‌دهند!ا دیده شده خبرنگار را به مناطق خوش آبوهوای شمال تهران منتقل می‌کنند، اما خبرنگار آنجا ریشه نمی‌دهد. کارشناسان معتقد هستند باید خبرنگار را در فصل درختکاری جابه‌جا کرد و برای این کار برنامه‌ریزی مناسب داشت. در تصویر، چند خبرنگار دیده می‌شوند. یکی از آنها پدرش هم دربیاید خبر را از دست نمی‌دهد. یکی از آنها پدرت را در می‌آورد تا خبری به دست بیسارود. یکی از آسان نیز پدرش هم دربیاید! ازش خبری درمی‌آید. اما کمی دورتر، شبه‌خبرنگاری دیده می‌شود که مشغول زدنود و فروختن تیتِر و گزارش است. این خبرنگار مورد بی‌مهری همکاران خود قرار می‌گیرد و از تحریریه کنار گذاشته می‌شود. سپس می‌رود «باوتن»! درمی‌آورد و در نهایت توی یک وزارتخانه خودش را جا می‌کند. خبرنگاران به این خبرنگار حرف بدی می‌زنند که فیلمبردار و صدابردار ما هر چه تلاش کردند موفق به ضبط آن نشدند. امروزه‌روز، خبرنگار به یک شیء تزئینی بدل شده است. در این منطقه که موسوم به نشست مطبوعاتی است یک مدیر و مقام مسوولی می‌شود که چند خبرنگار را دورش جمع کرده تا مسخره‌بازی دربیاورد و جوک بگوید. برخی مقامات به وفور خبرنگار در نشست مطبوعاتی با هم چشم‌رو هم‌چشمی دارند، اما اصولا خبرنگاران را سر بزنگاه دور می‌زنند، کلک‌ها. امروز روز خبرنگار است. تعدادی از خبرنگاران به علت شرایط بد نگهداری افسرده شدند. نسل آنها در حال انقراض است و شکارچیان بعد از شکار آهو و خرگوش به شکار این گونه علاقه زیادی نشان می‌دهند. در حالی که خبرنگار برخلاف آهو نسلش منقرض نمی‌شود و هر چه بیشتر برایش تله بگذارند او مثل کرگدن پوستش کلفت‌تر می‌شود. آوه... آوه... چطور شد کمک... ما خودمان به تله افتادیم... کات...

رویداد

برگزاری بزرگداشت «مسعود کیمیایی»

● «شرق» موسسه فیلمسازی «اموج نو بگانه» با همکاری «سینماک موزه هنرهای معاصر» بزرگداشت «مسعود کیمیایی» را برگزار می‌کند. برنامه این مراسم به این شرح است: هفته فیلم، مروری بر آثار پنج دهه مسعود کیمیایی به‌همراه نقد و بررسی که از ۲۶ تا ۳۱ مردادماه از ساعت ۱۷ الی ۲۰ برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند در تاریخ یادشده به نشانی خیابان کارگر شمالی، جنب پارک لاله، موزه هنرهای معاصر، سینماک مراجعه کنند.

۱۰ گروه تئاتری در «دایره ده»

● ایسنا: سرپرستان ۱۰ گروه تئاتری کشور پس از برگزاری جلسه‌های متعدد تصمیم به تأسیس تشکلی با عنوان «دایره ده» گرفتند. به گزارش روابط عمومی «ایره ده»، اعضای این تشکل را گروه‌های تئاتر بازی (آتیلا) پسیانی، تئاتر سایه (رضا حداد)، مکث (راما ثروتی)، لیو (حسن معجونی)، برما (رضا گوران)، پاپتی‌ها (حمید پورآزری)، ند کی‌شوت (صفر دوستی)، ویرگول (آروند غلشنان «زندگی‌شان است و دغدغه‌شان «آگاهی‌بخشی». (همایون غنی‌زاده) تشکیل می‌دهند و محمد چرمشیر نیز به‌عنوان سخنگوی این گروه معرفی شده است.

ادامه از صفحه اول

روزنامه‌های انتظار، عابران امید

● بنابر این اگر روزنامه‌نگار به هر دلیلی راه خطا برود، یعنی عمر را به بطالت بگذراند، قاعدا تا موجب استمرار اختلال در ارگان‌های اجتماعی و نحوه کارگزاری دولت می‌شود و این یعنی؛ ضدارزش‌ها، ارزش پیدا می‌کنند. ۴- باشکوه‌ترین لحظه، آمدن توست که مرا از دکه با خود می‌بری. - اجازه دهیم، خواهش می‌کنم اجازه دهیم، روزنامه‌ها خواندنی باشند، فیلم‌ها دیدنی باشند. کتاب‌ها ماندنی باشند و شعرها، سرود باشند. من از آقایان و خانم‌های ارجمند انتظار دارم، سایه خود را از دکه‌های روزنامه‌فروشی دریغ نکنند، روزنامه و مجله برگیرند، چون ما هم مثل شما امیدواریم، بهزاد عبدی شاعر گفته است: دست‌هایت را دور گردنم حلق کن که این‌بار روزنامه‌ها دارند به عکس من و تو فکر می‌کنند.

کیوان زرگری
keyvanzargari@yahoo.com

کارتون خواب



زاویه دید

از خبربیار تا خبرنگار



کامیابز نوروزی

خدا بیامرز مرحوم «گل آقا»، کیومرث صابری را که سال‌ها پیش در یکی از شماره‌های دو کلمه حرف‌حساب در صفحهٔ ۳ روزنامه اطلاعات، با همان زبان طعن و کنایه لطیف و پرمعای خودش، کلمه «خبربیار» را به‌جای خبرنگار به کار برد. کنایه از وضع تلخ و دشواری که خبرنگاران داشتند در آن سال‌ها، که چندان هم دور نیست، ارج و قرب خبرنگار تا آن اندازه بیشتر نبود که به یک دستگاه اجرایی مراجعه کنند، پشت در روایت‌عمومی بنشینند. از باب لطف و مرحمت خبری را که قبلا نوشته شده بود به دستش بدهند و آن خبر را بیاورد. روزنامه برای چاپ، اگر هم احیانا خبرنگاری می‌خواست سماجتی کند و کارش را مستقل از خواسته‌های ارباب قدرت انجام دهد، عالمی داشت ولولیا. یعنی درها به‌روی خبرنگاران بسته بود. یعنی اینکه کسی برای خبرنگار، ت‌ره هم خرد نمی‌کرد. یعنی اینکه اصلا مگر چندتا نشریه بود که حالا اهمیتی هم داشته باشد یا نه. یعنی که خبر درآوردن از داخل دستگاه‌های اجرایی، از کار در آوردن آهن از سنگ‌ها ن سخت‌تر بود. اما جامعه و مطبوعات و خبرنگاران، کار خودشان را آرام پیش بردند. گاه در فراز، گاه در فرود. با سختی، بامرار، روزنه‌روز و گامبه‌گام، جلو آمدند و قریه شدند. آنقدر سماجت کردند، تا دیده شوند. آنقدر جسوری کردند تا محترم شمرده شوند.

امروز جایی نیست که سخنگوی مطبوعاتی نداشته باشد. امروز، خبرنگار صاف‌صاف جلوی صاحبان‌متناصب

برداشت آخر

امروز ۱۷ مرداد است

آن خبرنگاران و این روزنامه‌نگاران...

که با رسانه‌ها ارتباط دارد و در این بین فرقی هم نیست بین خبرنگاران و شبه‌خبرنگاران و روزنامه‌نگاران رسانه‌های دیداری و شنیداری و رسانه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا و... این درست است، اما نمی‌توان واقعیت‌های ملموس جامعه خبرنگاری و روزنامه‌نگاری را ندید؛ شبه‌گزارش‌ها و یادداشت‌های انتقادی را ندید که با اهدافی مشخص به رشته تحریر درمی‌آیند؛ گزارش‌هایی که به روی کاغذ می‌آیند تنها و تنها به این انگیزه که شاید با درج آن رعبی به دل سازمان یا نهاد مورد خطاب آن بیفتد و منفعتی چند از این رهگذار عاید رسانه یا شخص خبرنگار متبوع شود؛

نمی‌توان نادیدنی‌های رسانه‌ای را و بی‌اخلاقی‌های این طرف و آن طرف را...

به‌راستی که حضور چند «خبرنگار» با ویژگی‌های بالا کافی است که افکار عمومی را به کل «روزنامه‌نگاران» ایران بدبین کند؛ جامعه روزنامه‌نگارانی که افرادی با این ویژگی‌ها، بی‌شک در بین آنان در اقلیتند و کم‌شمار. این بدبینی اما دامن همه را می‌گیرد؛ دامن همه روزنامه‌نگاران ایران را؛ روزنامه‌نگارانی مستقل که ششور کار دارند و روشنگری، غلشنان «زندگی‌شان است و دغدغه‌شان «آگاهی‌بخشی». با زندگی و همه سختی‌هایش کنار می‌آیند برای یک جامعه فرهنگی‌تر و آگاه‌تر. امروز که روز خبرنگار است، به نظر می‌رسد باید یک تفاوت اساسی قابل شد میان آن خبرنگاران و این روزنامه‌نگاران؛ دو گروه با دو دنیای متفاوت. روزمان مبارک.